

تحلیل تأثیر انقلاب بر معماری و شهرسازی ایران

صفر حاجی آقازاده^۱، نیما بایرام زاده^{۲*}، سجاد امیدوارفر^۳

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد مرند، مرند، ارومیه، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی مهندسی شهرسازی، دانشگاه پیام نور مرکز ارومیه، ارومیه، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور مرکز ارومیه، ارومیه، ایران

Nima.bayramzadeh@yahoo.com

چکیده

انقلاب، واژه ای نه چندان فراموش نشدنی که می توان کم و بیش گفت در بیشتر کشورها و شهرهای دنیا به نحوی اتفاق افتاده است. انقلاب نقش به سزایی در آینده شکل گیری فضاهای شهری دارد به طوریکه هم می تواند باعث شکوفایی شهر شود و هم نزول که در این میان میزان پیشرفت و نزول را می توان متناسب با آرمان های انقلاب و هم مردمانی که انقلاب را رهبری می کنند بستگی دارد. در این مقاله سعی شده نقش انقلاب در تغییر معماری و شهرسازی فضاهای شهری بررسی شود. اطلاعات این تحقیق به صورت کتابخانه ای و میدانی از منابع معتبر جمع آوری گردیده است و سعی شده با تحلیل و توصیف انقلاب های مختلف، نقش انقلاب را بر معماری و شهرسازی ایران مشخص شود. با توجه به مطالب ارائه شده انقلاب های صورت گرفته در بیشتر مواقع به یکدیگر شباهت هایی دارند و می توان این نتیجه را دریافت که برای عدالت و آزادی مردم صورت گرفته است در این بین واژه شهرسازی و معماری برای این انقلاب ها کمی گنگ می باشد به نحوی که در آرمان ها و ایدئولوژی های هیچ یک به آنها اشاره نشده است و بیشتر در راستای بعد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تاکید شده و به بعد کالبدی مناطق توجه خاصی نشده است.

واژگان کلیدی: انقلاب، معماری، شهرسازی، ایران.

۱- مقدمه

برای شکل گیری هر انقلابی یک عنصر فکری و دو عامل انسانی مورد نیاز است. عنصر فکری همان ایدئولوژی و مکتبی است که انقلاب بر پایه آن استوار می گردد و عنصر انسانی نیز یکی مردم اند و دیگری رهبری (آیت، ۱۳۸۶، ۲۳۰-۲۳۱). هر چه این عناصر قدرت یابند میزان پیروزی انقلاب افزایش می یابد.

انسان پیچیده ترین مخلوق خداوند است و «انقلاب» نیز به عنوان یکی از پیچیده ترین پدیده های اجتماعی شناخته شده است، هر یک از انقلاب های بزرگ جهان در شرایط زمانی و مکانی خاص خود رخ داده است و انقلابیونی که در این انقلاب ها شرکت کرده و آن را به پیش برده اند دارای اندیشه ها، افکار، فرهنگ ها، ارزش ها و اهداف متفاوتی بوده اند و عکس العملهای متناسب با شرایط جامعه و عملکرد حاکمیت از خود بروز داده اند (مومنی راد، ۱۳۸۱، ۱۱۸).

انقلاب، واژه ای نه چندان فراموش نشدنی که می توان کم و بیش گفت در بیشتر کشورها و شهرهای دنیا به نحوی اتفاق افتاده است خواه به صورت فرهنگی خواه به صورت سیاسی، انقلاب نقش به سزایی در آینده شکل گیری فضاهای شهری دارد به طوریکه هم می تواند باعث شکوفایی شهر شود و هم نزول که در این میان میزان پیشرفت و نزول را می توان متناسب با آرمان های انقلاب و هم مردمانی که انقلاب را رهبری می کنند بستگی دارد. در این مقاله سعی شده بیشتر بر روی بعد اجتماعی انقلاب تاکید شود و همچنین نقش انقلاب در تغییر معماری و شهرسازی فضاهای شهری آن بررسی شود.

بیشتر شهرهای دنیا تقریباً به نحوی با واژه ی انقلاب آشنایی دارند، از انقلاب صنعتی گرفته تا انقلاب جمهوری اسلامی ایران که هر یک به نحوی باعث تغییر رویکرد شهرها شده اند.

هر انقلابی که در کشور رخ می دهد بی شک دارای شعارهای خاص خود می باشد که مردم برای پیشبرد این شعارها در این عرصه قدم می گذارند تا به خواسته خود برسند. معماری و شهرسازی ایران، دارای فراز و نشیب های گوناگونی بوده است، به نحوی که انقلاب های صورت گرفته در ایران باعث تغییر شکل فضاهای شهری شده است. همچنین با توجه به اینکه در آن زمان که مردم در حال انقلاب بودند بیشتر مردم در روستاها ساکن بودند و انقلاب باعث جلب توجه ساکنین به سمت و سوی مراکز شهری می شد که این عامل نیز در دگرگونی معماری و شهرسازی آن دوران تاثیر گذار بوده است. در این مقاله سعی بر این شده تا با بررسی انقلاب های صورت گرفته در ایران و مقایسه آن ها با انقلاب های دیگر نقاط، به تاثیر انقلاب در شهرسازی و معماری ایران برسد.

طبق نوشته آقای «محمد آتشین بار» با عنوان «به سوی خیابان های انقلابی؟ مدیریت منظر خیابان های تهران در دوره انقلاب اسلامی» طی دوره انقلاب اسلامی، علی رغم دغدغه ها و تاکیدات معنایی در مدیریت شهر، در هیچ یک از اسناد شهری سیاست مشخصی برای مدیریت خیابان ها ارائه نشده است و این عدم توجه باعث شد نقش آن به عنوان یکی از مولفه های منظر شهری، در ادراک معنایی شهر تنزل پیدا کند. در دهه چهارم این مدیریت، نگاه دو قطب پدید آورنده خیابان، حکومت و اجتماع، به شئون کالبدی در کف و جداره محدود شده است. در حکومت، نگاه بخشی و جزء نگر اسناد مدیریتی، خیابان را به فضایی تبدیل کرده است که بار دیگر همچون دهه ۶۰ با تعریض یا احداث، جنبه ترافیکی خیابان در الویت قرار گیرد و ابتدایی ترین شان خیابان به مهمترین بدل شود: خیابان به مثابه سرعت.

در اجتماع، بهره برداری از سرگشتگی قوانین در مدیریت خیابان فرصت آن را ایجاد کرد که با احداث ساختمان های متعدد مسکونی و تجاری^۱ خرید زمین، تراکم و تغییر کاربری- جنبه های اقتصادی خیابان در الویت قرار گیرد: خیابان به مثابه سرمایه. عدم توجه به شان معنایی خیابان در ادراک شهروندان از آن، منطقی را برای خیابان های تهران رقم زده است که برخلاف شعارهای انقلابی، درک عمومی از آن برگرفته از زندگی طبقه محروم یا متوسط جامعه نیست بلکه سرعت و سرمایه شخصی به شناسه های اصلی آن تبدیل شده اند؛ چنین منطقی که توجه آن بیشتر به طبقات مرفه جامعه معطوف است را می توان منظر کاپیتالیست نامید (آتشین بار، ۱۳۹۲، ۴).

طبق نوشته «مهدوی نژاد، محمد جواد؛ خبری، محمد علی؛ عسکری مقدم، رضا» با عنوان «تجدید حیات گرایبی و معماری معاصر ایران در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی» مطالعات صورت گرفته نشان دهنده آن است که تجدید حیات گرایبی یکی از گرایش های اصیل و بسیار جدی در معماری معاصر ایران است، موضوعی که در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر اهمیت آن افزوده شده است. به گونه ای که بسیاری از معماران و طراحان در بیان ایده های خود بر این نمونه ها تاکید می ورزند. دستاورد های کمی و کیفی پژوهش نشان دهنده آن است که اصول انسجام طرح، مفاهیم ساختارهای فضایی، شکل و فرم و بنا، مصالح در بنا و ارتباط یک اثر با محیط پیرامون مهمترین نکاتی بوده اند که از سوی گروه های تجدید حیات گرا مورد توجه قرار گرفته اند. نکته قابل توجه آن است که گرایش های تجدید حیات گرایانه و هویت گرا در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی نتوانسته اند فاصله میان نظر و عمل را به خوبی طی نمایند و در راه رسیدن به موضوع های مورد نظر خویش موفقیت چندانی کسب نکرده اند؛ هر چند نفس حرکت به سمت ریشه های فکری و مبانی اعتقادی مردم، خود دستاوردی قابل توجه به شمار می آید. حرکتی که با الهام از گرایش های وسیع مردم به احیای هویت ایرانی^۲ اسلامی در تمامی بخش ها شکل گرفت و با اهتمام معماران به عرصه حیات معماری معاصر ایران نیز وارد شد (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۰۲).

۲- سؤال و اهداف پژوهش

۲-۱- سؤالات پژوهش

۱. آیا انقلاب اسلامی ایران در معماری و شهرسازی ایران نقشی داشته است؟
۲. چه کارهایی بعد از انقلاب اسلامی ایران، در ایران اتفاق افتاده است؟

۲-۲- اهداف پژوهش

۱. نقش انقلاب‌ها در معماری و شهرسازی
۲. مقایسه انقلاب‌های صورت گرفته در جهان
۳. شناسایی عوامل مهمی که بعد از انقلاب صورت گرفته است.

۳- چارچوب نظری

۱-۳- انقلاب

هانا آرنِت، از نظریه‌پردازان انقلاب درباره پیشینه تاریخی این اصطلاح می‌گوید: کلمه انقلاب در اصل از مصطلحات اخترشناسی است که به واسطه اثر بزرگ کپرنیک در علوم طبیعی از اهمیت خاصی برخوردار شد. این واژه در کاربرد علمی، معنای دقیق لاتینی خود را که دال بر حرکت دورانی منظم و قانون‌مند ستارگان بود، حفظ کرد. در سده هفدهم واژه انقلاب برای نخستین بار به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی در سال ۱۶۶۰ م پس از دگرگونی سیاسی در یکی از کشورهای به کار رفت. در معنای دیگر سیاسی، این کلمه درباره انتقال از عصر کشاورزی به دوره صنعتی - بویژه در ممالک غربی - به کار می‌رود که در آن‌جا صنعتی شدن به همراه شهرنشینی حاصل از آن، بر آخرین مرحله توسعه این جوامع اثرات بسیار چشمگیری داشته است (آرنِت، ۱۳۶۱، ۳۶).

نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی سیاسی، هر یک بر مبنایی خاص تعاریف مختلفی برای انقلاب ارائه داده‌اند که در این‌جا نمونه‌هایی از آن بیان می‌شود. شهید مطهری انقلاب را این‌گونه تعریف می‌کند: «انقلاب، عبارت است از طغیان و عصیان که مردم علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام می‌دهند؛ یعنی انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم برای وضعی دیگر. پس ریشه‌های انقلاب دو چیز است: یکی نارضایتی و خشم از وضع موجود و دیگر آرمان یک وضع مطلوب» (مطهری، ۱۳۹۰، ۱۳۹).

از نگاه شهید آیت الله سید محمد باقر صدر؛ انقلاب، جنبشی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معینی است که با درک واقعیت‌های موجود، به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های حاکم است (جمشیدی، ۱۳۷۷، ۱۲۰).

ساموئل هانتینگتون می‌گوید: انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت‌های حکومتی و سیاست‌های آن است (Huntington، ۱۹۶۸، ۲۶۴). با مروری بر سایر تعاریف اندیشمندان معاصر اسلامی نشان می‌دهد که یکی از ابعاد مهم در معرفی انقلاب‌ها، بُعد ارزشی و مطلوبیت آرمان‌ها است. شاید تعریف انقلاب از بُعد جامعه‌شناسی جامعیت بیشتری دارد؛ زیرا به عمده‌ترین خصیصه‌های انقلاب که دارای ماهیتی اجتماعی است، اشاره می‌کند. پس می‌توان انقلاب را به معنای تغییر در ساختار حاکمیت و ساختارهای اجتماعی در نظر گرفت (عیوضی، ۱۳۹۱، ۲۰).

۳-۲- تفاوت انقلاب با شورش

وجه تمایز «شورش» و «انقلاب» در اهدافی است که با توجه به نتایج دنبال می‌شود. در شورش‌ها، هدف مخالفان دولت معمولاً فراتر از اصلاح یا جبران ناخشنودی خاص، یا تغییر فرد یا افرادی در دولت، یا خط مشی دولت نمی‌رود. اما در انقلاب‌ها مخالفان دولت اهداف و انگیزه‌های خود را در یک ایدئولوژی می‌گیرند که نهادهای موجود را از بیخ و بن غلط یا شر معرفی می‌کند و میان دولت، نخبه‌ها و گروه‌های مردمی دست به دست شود، تصور فوق را تغییر داده است. تغییر در فناوری، سیاست بین‌الملل، و اقتصاد جهانی منابع تازه‌ای در اختیار گروه‌های گوناگونی می‌گذارد و بعضی دولت‌ها را قویتر و بعضی دیگر را ضعیفتر می‌کند. این تحولات خصوصاً در کشورهایی چشمگیرتر است که کاملاً درگیر رقابت استراتژیک ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی بوده‌اند. از این رو، انقلاب (و تلاش برای انقلاب) در اواخر قرن بیستم به وفور دیده شده است - مثلاً در ایران، نیکاراگوئه، افغانستان، لهستان، فیلیپین - و احتمالاً همچنان از ویژگی‌های مستمر سیاست جهان خواهد بود (چویشان، ۱۳۹۲، ۱۳۰).

۳-۳- انقلاب های مهم جهان

۱. انقلاب ۱۳۵۷ جمهوری اسلامی ایران

انقلاب جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ با همراهی اکثریت مردم از قشر های مختلف، بازاریان، روشنفکران و روحانیان و ... با رهبری حضرت امام خمینی، با حکومتی ظلم ستیز و خواهان عدالت، آزادی و استقلال در ایران شکل گرفت. از طرفی چون این انقلاب در راستای حاکمیت الهی شکل گرفته است مردم به آن اعتماد داشته و همه جانبه آن را حمایت می کنند.

۱-۱ ایدئولوژی انقلاب ۱۳۵۷ جمهوری اسلامی ایران

حضرت امام خمینی رهبری انقلاب ۱۳۵۷ را با شعارهای «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه غربی، نه شرقی» و ایدئولوژی اسلامی و حمایت اکثریت مردم ایران بر عهده داشت. این انقلاب دارای حاکمین مطلق الهی و بر مکتب شیعه استوار بوده است.

۲. انقلاب ۱۷۸۹ میلادی فرانسه

انقلاب فرانسه زاییده شورش توده مردم ناشی از مشکلات، نابرابری ها، فشار ها، ظلم و ستم و استبداد حکومت سلطنتی و اشراف بود. در فرانسه آن روز هم مثل دیگر کشورهای اروپای غربی مشکلاتی وجود داشت و انقلاب فرانسه مجموعه حوادثی است که بعد از بیداری مردم به دنبال رنسانس تا اوایل قرن نوزدهم ادامه داشت و تحول بزرگی در ساختار اجتماعی، سیاسی، تاریخی فرانسه و اروپای آن روز به وجود آورد. انقلاب فرانسه اولین جنبش مردمی اروپا بود که به فروپاشی حکومت ۱۵۰۰ ساله خاندان سلطنتی فرانسه (از کلویس اول ۴۵۱ میلادی تا لویی شانزده ۱۷۹۲) انجامید و پایه های حکومت های سلطنتی اروپایی را لرزاند. انقلاب با شروع کار «مجلس طبقاتی عامه» مرکب از نمایندگان اشراف، کلیسا و توده مردم آغاز شد (رضیعی، ۱۳۶۸، ۱۳).

۱-۲ ایدئولوژی انقلاب ۱۷۸۹ میلادی فرانسه

ایدئولوژی انقلاب فرانسه لیبرالیسم بر مبنای اومانیزم، که به همراهی شعار آزادی و عدالت بوده است.

۳. انقلاب ۱۹۱۷ روسیه

طبق گفته دکتر مازیار بهروز دانشیار گروه تاریخ دانشگاه ایالتی در سانفرانسیسکو انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه میان دو وضعیت سرگردان است. از یک سو امید های اتوپیایی آن و از سوی دیگر پیوند خوردن این انقلاب با یکی از کابوس های قرن بیستم، استالینیزم (online.sfsu.edu).

۱-۳ ایدئولوژی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه

ایدئولوژی انقلاب روسیه برگرفته از آموزه های مارکس و البته با لحاظ نمودن مسائل داخلی روسیه در آن و کم و زیاد کردن برخی موارد آن، حول محور «اقتصاد» و «تضاد طبقاتی» و با «گستره های جهانی» شکل گرفت. ایدئولوژی انقلاب روسیه - با توجه به نقدی که بر مبنای «کاپیتالیسم» وارد است - اساساً طرفدار آزادی نیست، اما این وجه اشتراک را با نظام کاپیتالیستی دارد که هر دو از «عقل اومانستی» نشأت گرفته اند. عدالت در اندیشه ی انقلابیون روسیه مترادف بود با دولتی کردن. یعنی وسایل تولید و توزیع باید در اختیار دولت قرار می گرفت و تنها یک نان بخور و نمیری به مردم می رسید (farsi.khamenei.ir).

۴. انقلاب ۱۹۶۲ الجزایر

فرانسوی ها با اعلام اینکه الجزایر بخشی تجزیه ناپذیر از فرانسه است سعی در تثبیت موقعیت خود و فرانسوی کردن الجزایر داشتند. اجرای سیاست «همانند سازی» یکی از اقدامات گسترده مهاجرت فرانسوی ها و اشغال خانه و کاشانه الجزایری ها به منظور تغییر بافت جمعیتی این کشور صورت گرفت. مکتب اسلام و نهاد های مذهبی آن همچون حجاب محکم ترین سد در پیش پای اشغالگران فرانسوی ها بود لذا آنان تلاشی فراوانی در راستای مقابله با فرهنگ اسلامی در این کشور آغاز کردند، شکار مبارزان و کشتار مردم مسلمان توسط نیروهای امنیتی و ارتش سری فرانسه در سال های متمادی اشغال و تجاوز کارنامه ای سیاه از استعمار را در الجزایر رقم زد. از سال ۱۹۴۵، مبارزه استقلال طلبانه مردم وارد دور تازه ای شد که تا سال ۱۹۶۲ ادامه داشت در این سال ملت پایدار و مقاوم این کشور با تحمل دردها و رنج های طولانی پس از ۱۳۲ سال مبارزه خونین به استقلال رسید و با دادن بیش از یک میلیون شهید شکستنی تلخ را نصیب استعمار فرانسه نمود (مومنی راد، ۱۳۸۱، ۱۱۷-۱۲۹).

۱-۴ ایدئولوژی انقلاب ۱۹۶۲ الجزایر:

گرچه اکثریت مردم الجزایر مسلمان بوده و با الهام از اندیشه های مذهبی مبارزه گسترده ای را بر علیه اشغالگران فرانسوی آغاز کردند و در طول سالیان متمادی مبارزه نیز همواره توسط رهبران مذهبی با تمسک بر فرهنگ اسلامی هدایت می شدند ولی در سالهای قبل از استقلال و بعد از آن، به علت عدم توجه کافی به اسلام اصیل در مبارزه از سوی رهبران، حرکت نهضت به سوی ناسیونالیسم و ملی گرایی شدید و سوسیالیسم گرایش پیدا کرد (مومنی راد، ۱۳۸۱، ۱۱۷-۱۲۹).

۵. انقلاب ۱۹۴۹ چین

یکی از مهمترین حوادثی که بعد از انقلاب چین رخ داد انقلاب فرهنگی آن کشور به رهبری مائو بازگرداندن آن قسمت از حیات فرهنگی و سیاسی چین به خط اصیل ایدئولوژیکی بود که از راه اصلی منحرف شده بود. مائو معتقد بود که اگر انحرافات را نادیده بگیرد بتدریج ضربه هولناکی بر مرام مارکسیسم^۵ لنینیسیم خواهد خورد. لذا از مردم و خصوصاً گارد های سرخ که بدین منظور از جوانان متعصب و مغرور تشکیل شده بود، خواست که مقامات حزبی و دولتی را که متهم به لغزش و انحراف بودند مورد چون و چرا قرار دهند، آنان نیز هر مقامی را که خیال می کردند از خط مائو و اندیشه های او جانبداری نمی کند مورد انتقاد و بازجویی و افشاگری قرار می دادند. هر چند هدف مائو در این میان تامین شد ولی انقلاب فرهنگی اختلالی عظیم در صنایع و کشاورزی چین پدید آورد و اختلاف و درگیری بین رهبران چین را افزایش داد و در بسیاری از نقاط برخوردهایی خونین که شبیه جنگ داخلی بود، پدید آورد (مامی، ۱۳۶۹، ۴۳۰).

۱-۵ ایدئولوژی انقلاب ۱۹۴۹ چین:

ایدئولوژی و جهان بینی انقلاب چین، مارکسیسم^۵ لنینیسیم بود که به شکلی از انقلاب روسیه الهام گرفته شده بود. اما مائو نظریه مارکسیسم را تغییر داد و انقلاب آن کشور را با تکیه بر دهقانان از روستاها آغاز کرد و کارگران را هم با خود همراه ساخت. مائو در شرایطی که جامعه چین هنوز صنعتی نشده بود با تکیه بر دهقانان و کشاورزان انقلاب چین را رهبری کرد. (مومنی راد، ۱۳۸۱، ۱۱۷-۱۲۹)

۴- روش شناسی

پژوهش حاضر ماهیتی توصیفی دارد. در ابتدا برای دریافت مفهوم عنوان مقاله به بررسی دو عامل انقلاب و انقلاب های صورت گرفته پرداخته شده است که این مطالب از منابع معتبر کتابخانه ای که شامل کتاب ها و مقالات علمی می باشد جمع آوری شده است. همچنین سعی شده تا انقلاب های مهمی که در جهان رخ داده است را تحلیل و توصیف نموده و به مقایسه ای بین آنها پرداخته شود. در بخش بعدی نیز به بررسی و تحلیل تأثیر انقلاب اسلامی بر معماری و شهرسازی ایران بررسی شده است و در انتها کارهایی که بعد از انقلاب جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاده است ذکر گردیده است.

۵- یافته ها

۱-۵ تحلیل تأثیر انقلاب بر معماری و شهرسازی ایران

در رابطه با تحلیل تأثیر انقلاب بر معماری و شهرسازی ایران می توان به سخن بزرگان پرداخت که به صورت زیر است:

۱-۵-۱ ایرج اعتصام:

«آنچه از شعارهای اصلی انقلاب در پوسترها به خاطر ام است، مطلبی از آیت الله بهشتی است که می گوید: "انقلاب ما انقلاب ارزش هاست". شور و شوق انقلابی معماران جوان در آن زمان می توانست با تجزیه و تحلیل مستمر این شعار و سایر ایده آل های انقلاب، راه تازه ای از نحوه تعلیمات معماری را ارائه دهد؛ که در تئوری و عمل حرف تازه ای در طراحی و اجرا داشته باشد. متأسفانه جنگ هشت ساله ایران و عراق، اولویت ها را تغییر داد. بدیهی است در زمان جنگ، مسئله اصلی نجات مملکت بود، نه نجات تئوری و طراحی معماری! کما اینکه بسیاری از دانشجویان و مربیان دانشگاهی نیز راهی جبهه های جنگ شدند. در این بین تغییراتی که در برنامه معماری تحت عنوان انقلاب فرهنگی صورت گرفت؛ نارسا، عجولانه و تابع احساسات بود که نتیجه آن افزایش بی رویه دروس نظری و کم شدن حجم طراحی شد و این صرفاً یک جابه جایی نامناسب بود، نه متکی بر مفاهیم ایده آل های انقلاب. بعد از خاتمه جنگ و آغاز بازسازی ها (دوران سازندگی)، ساخت و سازهای شهری اعم از بخش دولتی و بخش خصوصی

سرعت گرفت، ولی نه با آن دیدگاه‌های انقلابی مورد انتظار، بلکه با تقلید بی کیفیت از نمونه‌های خارجی که از طریق مجلات خارجی و اینترنت در دسترس معماران قرار می‌گرفت.» (اعتصام، ۱۳۸۸، ۱۴)

۲-۱-۵- حسین سلطان زاده:

«احیای هنرهای اسلامی را می‌توان مهم‌ترین پدیده‌ای دانست که پس از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفت و بازتاب آن در معماری به چند صورت متجلی شد. در عرصه طراحی و ساخت مجموعه‌های بزرگ فرهنگی و عمومی نیز تحولاتی صورت گرفت و به بعضی از عناصر معماری ایرانی مانند حیاط مرکزی، طاق و قوس و بعضی مصالح سنتی مانند آجر، کاشی و برخی تزئینات ماندگاشی کاری و کاربردی روی آورده شد. طراحی و ساخت آثار متعددی با توجه به خصوصیات معماری ایرانی طی دهه اول و دوم انقلاب صورت گرفت. اما به سبب آنکه رویکرد‌های موجود بیشتر جنبه شکلی داشت و پشتوانه‌های کافی نظری و فکری نداشت و از جنبه خلاقیت و نوآوری بهره‌مند نبود؛ به تدریج از سوی بسیاری از معماران و حتی کارفرمایان کنار گذاشته شد و در همین دوره آثار متعددی اجرا شد که نه تنها از فرهنگ اسلامی در آنها آثاری دیده نمی‌شود، بلکه گاه ساده‌ترین اصول و نشانه‌های معماری ایرانی نیز در آنها به کار گرفته نشده است. از نمونه‌های شاخص این آثار، ساختمان جدید مجلس شورای اسلامی و ساختمان فرودگاه بین‌المللی امام خمینی است.» (سلطان زاده، ۱۳۸۸، ۱۵)

۳-۱-۵- امیربانی مسعود:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، معماران ایرانی تحت تأثیر دو پدیده موازی قرار گرفتند. اولین آنها، اندیشه‌ها و کارهای ساخته شده معماران قبل از انقلاب اسلامی بود که سودای آشتی دادن معماری مدرن با سنت و فرهنگ ایرانی را در سر می‌پروراندند؛ دومین جریان تأثیرگذار، که ریشه در تمدن و فرهنگ غرب داشت، و از جریان اول نیز پررنگ‌تر و تأثیرگذارتر بود، آشنایی معماران ایرانی با جنبش پست مدرن کلاسی سیسم (پومو)، که بین دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی در معماری اروپا و آمریکا شکل گرفته، و جریانات معماری پست مدرنیته در دهه ۹۰ میلادی بود. معماران بعد از انقلاب اسلامی سعی در سوق دادن معماری ایران به سوی هویتی آزاد داشته‌اند.» (مسعود، ۱۳۸۸، ۱۶)

۲-۵- برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب اسلامی در ایران:

۱-۲-۵- برنامه‌های توسعه عمران:

برنامه ششم عمرانی که در بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲ به طول انجامید و از موارد مهم آن می‌توان به:

۱. بحث حوزه نفوذ
۲. برنامه‌های آماده‌سازی زمین
۳. مکانیابی
۴. شهرهای جدید
۵. استفاده از ابزارهای منطقه‌ای.

۲-۲-۵- برنامه‌های توسعه، اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب

در این برنامه‌ها مواد و عناوین قابل توجهی در مورد اهداف آن ذکر شده است که از جمله آنها توجه به شهرها به منظور کنترل رشد بی‌رویه آنها و جلوگیری از تمرکزگرایی در تهران و شهرهای بزرگ و همچنین برنامه‌های تهیه و تأمین مسکن را می‌توان نام برد. این اهداف بنا به دلایلی چون جنگ و بودجه بسیار زیادی که صرف آن شد، نتوانست به موفقیت کامل برسد. در زیر به برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است:

۱. برنامه اول: تأکید این برنامه بیشتر بر روی خصوصی سازی، آزاد سازی و صنعتی کردن کشور بود. همچنین از ویژگی‌های این دوره می‌توان به توجه به خدمات شهری، و زیباسازی شهری و توسعه شبکه‌های حمل و نقل درون شهری نام برد که از اصفهان شروع و پس از تهران به سایر شهرها سرایت کرد.

۲. برنامه دوم: برنامه دوم بیشتر بر محورهای توسعه کشاورزی و توریسم استوار بود. همچنین از ویژگی های این دوران می توان به فصل عمران شهری بودن که زیربخش های امور اجتماعی در برنامه دوم توسعه بود به شهر همانند یک بخش می نگریست.

۳. برنامه سوم: در برنامه سوم جمهوری اسلامی ایران برای نخستین بار، برنامه ای با هدف فرابخشی تدوین گردید و محور برنامه، توسعه کشاورزی بود. (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۸۲)

۳-۵- برنامه های صورت گرفته بعد از انقلاب اسلامی ایران

همچنین با توجه به مطالعات صورت گرفته در ایران بعد از انقلاب جمهوری اسلامی ایران در راستای افزایش عملکرد و بهبود بخشی به مناطق شهری برنامه های هابی صورت گرفته است که به صورت زیر است:

۱. تشکیل شورای عالی طرح های انقلاب به عنوان اولین اقدام جهت تدوین برنامه ریزی میان مدت و دراز مدت پس از انقلاب در سال ۱۳۵۸

۲. تشکیل سازمان عمران و اراضی شهری در سال ۱۳۵۸

۳. تصویب قانون اراضی شهری در سال ۱۳۶۰

۴. تهیه طرح موقت حفظ و ساماندهی شهر تهران توسط وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۶۱

۵. تصویب قانون تشکیل شوراهای اسلامی در سال ۱۳۶۱

۶. شروع تهیه طرح های توسعه، عمران و حوزه نفوذ و تفصیلی شهرها به جای طرح های جامع در سال ۱۳۶۳

۷. تصویب قانون زمین شهری در سال ۱۳۶۶

۸. شروع برنامه پنج ساله اول توسعه بعد از انقلاب در سال ۱۳۶۸

۹. شروع برنامه پنج ساله دوم توسعه بعد از انقلاب در سال ۱۳۷۴ و ...

بنابراین می توان گفت بعد از انقلاب در زمینه معماری و شهرسازی شهرها بیشتر اندیشیده شده است.

نتیجه گیری

انقلاب های صورت گرفته بیشتر بر روی واژه آزادی و عدالت در حال حرکت هستند و در این بین هیچ یک از انقلاب ها نقش مفیدی در راستای تغییر معماری و شهرسازی شهرها قدم برنداشته اند و بیشتر به خاطر مشکلات وجودی مردم و عدم رضایت آنها از حکومت را نشان می دهد چه بسا بهتر بود با توجه به انقلاب صورت گرفته در عرصه های معماری و شهرسازی قدم برداشت تا زمینه های انقلاب صورت گرفته استوارتر باشد. همچنین با توجه به واژه انقلاب، بنظر می رسد انقلاب اسلامی ایران بیشتر به بعد اجتماعی توجه داشته تا به بعد کالبدی و به همین خاطر در بعد اجتماعی اثرات فراوانی را از خود برجای گذاشته است.

مراجع

۱. آتشین بار، محمد، ۱۳۹۲، به سوی خیابان های انقلابی؟ مدیریت منظر خیابان های تهران در دوره انقلاب اسلامی، هنر و معماری، منظر، شماره ۲۴، پاییز)
 ۲. آرنت، هانا، انقلاب، ترجمه: فولادوند، عزت الله، ص ۳۶، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۱ ش.
 ۳. اعتصام، ایرج، ۱۳۸۸، نظرگاه، آیا معماری ایران محصول انقلاب اسلامی است؟، مجله منظر، شماره ۴، بهمن
 ۴. امامی، حسام الدین، رویدادهای مهم تاریخ، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ سوم ۱۳۶۹، ص ۴۳۰
 ۵. جمشیدی، محمدحسین، اندیشه سیاسی شهید رابع سید محمدباقر صدر، ص ۱۲۰، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۷ ش.
 ۶. رضایی؛ رامین، صالحی؛ یاسر، فوادمرعشی؛ سید مومن، ۱۳۹۲، مقدمه ای بر مباحث شهرسازی و معماری ایران، انتشارات نشر دنیای واژه کتاب ارومیه.
 ۷. رضیئی، سید حامد،نگاهی به عوامل انقلاب کبیر: فرانسه پس از دویست و هجده سال، روزنامه اعتماد، شماره ۱۴۴۸، ۱۳۸۶، ص ۱۳
 ۸. سلطان زاده، حسین، ۱۳۸۸، نظرگاه، آیا معماری ایران محصول انقلاب اسلامی است؟، مجله منظر، شماره ۴، بهمن
 ۹. عیوضی، محمد رحیم، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص ۲۰، دفتر نشر معارف، قم، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۱ ش.
 ۱۰. فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ویلیام آوتویت و تام باتامور، ترجمه حسن چاوشان، نشر نی ۱۳۹۲ ص ۱۳۰
 ۱۱. مسعود؛ امیر بانی، ۱۳۸۸، نظرگاه، آیا معماری ایران محصول انقلاب اسلامی است؟، مجله منظر، شماره ۴، بهمن
 ۱۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰ مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۱۳۹، انتشارات صدرا، تهران.
 ۱۳. مظفری، آیت، ۱۳۸۶، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، ۲۳۰ ° ۲۳۱.
 ۱۴. مقایسه تطبیقی انقلاب چین، الجزایر و انقلاب اسلامی ایران، احمد مومنی راد، پژوهشنامه انقلاب اسلامی (دانشگاه اصفهان) پاییز و زمستان ۱۳۸۱ شماره ۷ و ۸
 ۱۵. مومنی راد، احمد، مقایسه تطبیقی انقلاب چین، الجزایر و انقلاب اسلامی ایران، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، شماره ۷ و ۸، ص ۱۱۷ تا ۱۲۹
 ۱۶. مهدوی نژاد، محمد جواد؛ خبری، محمد علی؛ عسکری مقدم، رضا، ۱۳۸۹، تجدید حیات گرایی و معماری معاصر ایران در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هنر و معماری، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲، زمستان
17. <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=21981>
18. http://online.sfsu.edu/mroozbeh/Articles/In-RussianRev08_1.htm
19. Huntington, 1968, Political Order in Changing Societies, p.264